

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۳)، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۹-۴۷

تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق بر اساس نظریه پخش

حسین معین آبادی*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

روح الله سبزی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

هدف این نوشتار، واکاوی بخشی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در کشور اسلامی عراق بر طبق نظریه پخش است؛ از این رو، با در نظر گرفتن مبدأ و مقصد پخش، شرایط اجتماعی- سیاسی عراق، پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران و در ادوار گوناگون آن، مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در میحث موضوع پخش نیز کوشیده‌ایم تا با ارائه شواهد عینی، اثبات بازتاب‌های احتمالی انقلاب اسلامی بر این کشور را جست‌وجو کنیم. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: انقلاب اسلامی ایران به چه صورتی در کشور عراق بازتاب یافته است؟ در این راستا، فرضیه اصلی از این قرار است: تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر عراق بیشتر از جنبه فرهنگی و سیاسی بوده است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و به شیوه توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی درصدد سنجش بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران بر کشور عراق برآمده است.

واژگان کلیدی: بازتاب انقلاب اسلامی، عراق، اسلام، شیعه، پخش.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۱۹

پست الکترونیکی نویسنده: moeini@uk.ac.ir

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید که در دو بعد داخلی و بین‌المللی تأثیر بنیادینی از خود بر جای گذاشته است. این انقلاب توانست ضمن طرح اسلام به عنوان نیرویی قدرتمند در جهان مدرن، بر نظریه پایان دوران دین، خط بطلان کشیده و رهیافت متفکران غربی در جدایی دین از سیاست را نیز با تردیدی جدی مواجه کند. این انقلاب در عصری با نیروی محرکه و تحول‌زای ارزش‌های دینی به پیروزی رسید که آن را عصر پایان دین و باورهای دینی می‌نامیدند و دین را به جوامع ابتدایی بشر نسبت می‌دادند. با انقلاب اسلامی ایران، دین به عنصری تعیین‌کننده در حوزه عمومی زندگی انسان از جمله جامعه و سیاست تبدیل شد و جنبه‌های معنوی و ربانی وارد زندگی روزمره اجتماعی و سیاسی شد. اسلام توانست هم از جنبه نظری (تئوریک) و هم از بعد عملی (پراتیک) عینیت یابد (هرچند ناکامل) و ظهور، تجلی و مصداق بیرونی و خارجی پیدا کند. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷) انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی با ارائه گفتمان جدید خود با عنوان به شرقی نه غربی، نظم کهن و سنتی تعلق و وابستگی به یکی از دو بلوک شرق یا غرب را به طور جدی و عملی به چالش کشید. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی با رهیافت‌های اسلامی و قرآنی خود در تقابل با سایر نظام‌های سیاسی موجود که در نهایت انسان را در مرکز توجه خود قرار می‌دادند سوزن پرگار را بر توحید و زندگی برآمده از ولایت‌الله قرار داد تا دایره تمدنی خود را بر مدار دینی آسمانی ترسیم کند. «مردود اعلام کردن این نظم کلاسیک مهمترین چالشی بود که انقلاب اسلامی پیش پای نظام بین‌الملل در پایان دهه هفتاد قرار داد.» (خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۳) همان‌طور که «جان اسپوزیتو» گفته است: انقلاب اسلامی به دلیل جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بوده است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۴۴) انقلاب اسلامی از ابتدای پیدایش، آن‌گونه که در کلام رهبران آن بارها تکرار شده، داعیه جهانی بودن داشته و سیاست صدور انقلاب همواره مورد توجه سران جمهوری اسلامی بوده است، اما باید دید که این انقلاب از چه وجهی و چگونه بیش‌ترین میزان تأثیرگذاری را در بین ملت‌ها داشته است. هدف اصلی این پژوهش جست‌وجوی چگونگی تأثیر انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران بر کشور اسلامی عراق است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که: انقلاب اسلامی ایران چگونه و چطور در کشور عراق بازتاب یافته است؟ بر همین اساس فرضیه این پژوهش از این قرار است: تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر عراق بیشتر از جنبه فرهنگی و سیاسی بوده است. اثبات چگونگی اثرگذاری انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان امری دشوار است، این به سبب محرمانه و سیاسی بودن اطلاعات و کلان بودن متغیرها و

پیچیده شدن تحلیل و نظریه است؛ این عوامل در کنار نسبی بودن بازتاب‌ها و اثرات پدیده انقلاب سبب شده تا نتوان مقیاس دقیقی برای اندازه‌گیری ارائه داد، اما با این وجود تلاش شده تا با بهره‌گیری از نظریه پخش (که برای بررسی ابعاد فرهنگی بازتاب پدیده‌ها ابزاری مناسب است) و با رویکردی توصیفی - تحلیلی (با ارائه برخی شواهد کمی) به این امر جامه عمل پوشانده شده، جلوه‌ای محدود از بازتاب‌های انقلاب اسلامی در عراق مورد بررسی قرار گیرد.

در بررسی پیشینه پژوهش، عراق کشوری است که در بین جوامع مسلمان بارزترین شواهد تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را می‌توان در آن دید (به‌خصوص در سال‌های ابتدایی انقلاب و سال‌های پس از سقوط صدام حسین) هرچند که نظری اجمالی بر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بیانگر این واقعیت است که آن گونه که باید و شاید کاری منسجم و جامع در این خصوص صورت نپذیرفته است. برای مثال، جان اسپوزیتو در کتاب «انقلاب ایران و بازتاب‌های جهانی آن» با بررسی کشمکش‌های سیاسی و نظامی دو دولت ایران و عراق در دهه اول انقلاب، تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق را محدود و مختص خواص می‌داند. اگرچه این وجه در آن دوران بیشتر جلوه داشته و رویکرد اسپوزیتو در این کتاب در نوع خود قابل‌تقدیر است، اما با توجه به زمان‌بر بودن بروز تأثیرات فرهنگی و سیاسی، قضاوت این کتاب از تأثیرات انقلاب اسلامی جامع و مانع نبوده است. محمداقبر حشمت زاده در کتاب «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی» با رویکردی مشابه اسپوزیتو و به شکل مختصر، تنها به برهه جنگ تحمیلی و سیاست صدور انقلاب در آن زمان پرداخته و بیشتر واکنش دولت عراق به انقلاب را مد نظر قرار داده تا توده‌های مردم این کشور. اثر دیگری که به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی به طور اعم و بازتاب آن بر عراق به طور اخص پرداخته است کتاب «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی» نوشته منوچهر محمدی است. نویسنده در این اثر با ذکر تاریخچه‌ای از روابط دو کشور ایران و عراق از پیش از اسلام تا سقوط صدام حسین، روند تحولات فی مابین دو کشور را به شکل توصیفی بررسی می‌کند. در این میان، اما برخی آثار پژوهشی همچون «نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران» نوشته دکتر ابراهیم برزگر به علت انسجام ساختاری و بررسی مسئله در چهارچوب‌های نظری معین، ممکن است مبین نوعی نگاه جدید و کارا به بازتاب‌های انقلاب اسلامی باشد. نویسنده در فصلی از کتاب که به عراق اختصاص یافته، از نظریه سیستم‌ها برای کنکاش در بازتاب انقلاب اسلامی در این کشور سود برده است. از این منظر دو کشور به مثابه دو سیستم فرض شده و تلاش شده تا با سنجش ورودی‌ها و خروجی‌های دو سیستم، تحلیلی در خصوص میزان تأثیر و تأثرات انقلاب اسلامی در رابطه با عراق به دست دهد. کتب و مقالات ارزشمند دیگری نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند که در اینجا مجال معرفی تمامی آن‌ها فراهم نیست. با این همه، نگارنده باید اذعان کند که هنوز در حوزه انقلاب اسلامی و تأثیرات بین‌المللی آن به پژوهشی که توانسته باشد به طرز شایسته‌ای

چیستی، چرایی و چگونگی بازتاب‌های این پدیده سیاسی-اجتماعی را تبیین کند، دست نیافته است. ویژگی پژوهش پیش رو، روزآمدی و نگاهی جامع‌تر به مسئله تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق است که ذیل کاربرد نظریه پخش حاصل شده است. در این راستا تلاش شده است برای جامعیت بخشی هر چه بیشتر به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر جامعه عراق، اهم تحولات سه دهه گذشته و به‌ویژه وقایع پس از سقوط رژیم بعث تا سومین دوره انتخابات پارلمانی عراق مورد توجه قرار گیرد.

۱-۱. چهارچوب نظری

تبیین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر سایر جوامع و کشورها از دو منظر قابل‌ارزیابی است: اول بررسی بازتاب‌های انقلاب اسلامی و دوم ارزیابی سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر صدور انقلاب. در این مقاله آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد شق اول مسئله، یعنی بررسی بازتاب‌های این پدیده اجتماعی-سیاسی است. در تبیین بازتاب‌های انقلاب رهیافت‌های نظری متعددی از قبیل بررسی موردی غیر نظام‌مند، نظریه سیستم‌ها، نظریه مبادله هومنز، نظریه گفتمانی، نظریات همگرایی منطقه‌ای و جهانی، کارکردگرایی و نظریه پخش، کاربرد دارند. در این پژوهش با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای دیگر جهان نظیر دوری و نزدیکی سرزمینی، بافت اجتماعی-فرهنگی متجانس و نامتجانس و نیز نوع بازتاب‌ها که به طور معمول فرهنگی بوده است، نظریه «پخش» یا «اشاعه» را در بازاندیشی این تأثیرات برگزیده‌ایم. این نظریه که در ابتدا توسط یک جغرافیدان سوئدی به نام تورستن هاگر/استرنند^۲ در زمینه گسترش پدیده‌های کشاورزی ابداع شد به علت ویژگی‌های مطلوبی که در تشریح و تحلیل گسترش پدیده‌ها داشت از سوی سایر رشته‌ها نیز با استقبال مواجه شد. نظریه پخش به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری یا توضیحی چشمگیری برای نشان دادن بازخوردهای تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر دیگر نواحی دارد.

اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که طی آن، فرهنگی که علامت مشخصه جامعه‌ای است، در جامعه‌ای دیگر به عاریت گرفته و پذیرش می‌شود. (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳) پخش، شامل انواعی چون جابه‌جایی، سرایتی^۳ و سلسله‌مراتبی^۴ است. لازمه پخش، جابجایی، انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه است. در پخش سلسله‌مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند و ایده‌ها از طریق یک «فرد مهم» به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ چون در این مورد پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت انتشار بالا از نوع پخش انبساطی^۵ محسوب می‌شوند. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۸) در تبیین و

مطالعه بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی بر اساس نظریه پخش، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و کانال‌ها و در نهایت موضوع پخش واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهنده به شمار می‌رود که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید در نظر گرفته شود. (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹)

۲-۱. روش تحقیق

ادعای اثرگذاری انقلاب اسلامی به دو طریق قابل طرح و دفاع است: ۱. اعترافات و اطلاعات مستقیم و آشکار ۲. تحلیل، استدلال و اثبات غیرمستقیم. (حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۲) در روش دوم، استفاده از شیوه‌های آمایش اطلاعات، اصل توالی، تقارن، تشابه و روش تاریخی و جغرافیایی به اثبات بازتاب انقلاب اسلامی در کشورها و جنبش‌ها کمک می‌کند. (حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۲۶) در سنجش این بازتاب‌ها بر کشور عراق، علاوه بر اعترافات و اطلاعات مستقیم با استناد به اصل تشابه و هم‌شکلی می‌توان اثرپذیری پدیده‌های ناشی از انقلاب اسلامی را به روش دقیق‌تری بررسی کرد. در این راستا، این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته، به شیوه توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی درصدد سنجش بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران بر کشور عراق برآمده است.

۲. بحث و بررسی بازتاب انقلاب اسلامی بر عراق

در این قسمت برای روشن شدن میزان همگنی بافت فرهنگی - اجتماعی دو کشور ایران و عراق که مبدأ و مقصد پخش محسوب می‌شوند ابتدا بافت قومی و فرهنگی این کشور را بازبینی می‌کنیم. در ادامه موضوع پخش، مسیر و نحوه انتقال آن از مبدأ به مقصد را تبیین کرده، تأثیر عامل زمان و برخی دیگر از موانع را بر کیفیت پخش، مورد مذاقه قرار خواهیم داد. در انتها با ارائه چند نمونه از مصداق‌های عینی تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق به ذکر نظرات برخی از شخصیت‌ها در این مورد می‌پردازیم.

۲-۱. مبدأ و مقصد پخش

ضمن آنکه انقلاب اسلامی خود مبدأ پخش بوده، از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است، به‌ویژه در دهه سوم انقلاب، با گذر زمان و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به تدریج این پخش به جای تک مرکزی به چند مرکزی تغییر وضعیت می‌دهد. (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۶) برخی کانون‌های ثانویه پخش در منطقه عبارت‌اند از جنبش‌های مقاومت در لبنان به‌ویژه حزب‌الله و جهاد اسلامی و حماس در فلسطین

اشغالی و نیز برخی گروه‌ها و احزاب شیعی در عراق که به انتقال هویت اصیل اسلامی و سایر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران اقدام کرده‌اند. به طور طبیعی محیط حوزه‌های پخش گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیراست. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸) در بررسی بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر عراق به این موضوع بر می‌خوریم که امواج پخش وارد محیطی قومیتی می‌شود که در میان غالب این اقوام علی‌رغم شکاف‌های زبانی، نژادی و بعضاً مذهبی محیطی پذیرا برای پیام‌های انقلاب وجود دارد ضمن آنکه به دلیل همسایگی و قرابت فرهنگی دو ملت، انتظار می‌رود انقلاب اسلامی ایران تأثیر فراوانی بر مردم و نخبگان عراقی داشته باشد. حوزه‌های علمیه و نخبگان دانشگاهی به‌ویژه در میان شیعیان، کانون‌های اصلی جذب و دریافت امواج انقلاب بوده‌اند.

۱-۱-۲. بافت قومی و فرهنگی عراق

تعدد قومیت‌گرایی و تنوع در وابستگی دینی و مذهبی از خصوصیات جامعه‌ی عراق در طول دوران حکومت عثمانی و زمان‌های بعد از آن است؛ از این رو، این ساختار، آثار بزرگی بر ماهیت و مسیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق بر جای نهاده است. توزیع جغرافیایی اقوام عراقی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: منطقه اول: شامل کرانه رودخانه دجله و فرات در جنوب بغداد که از تراکم نسبی جمعیت برخوردار است و محل سکونت اصلی مسلمانان شیعه محسوب می‌شود و اغلب ساکنان آن عرب هستند. منطقه دوم: شامل ارتفاعات بغداد و اطراف دشت فرات است که محل سکونت اصلی مسلمانان سنی عرب و اقلیت‌های شیعه مذهب است، اما منطقه سوم: منطقه‌ای کوهستانی در شمال و شمال شرقی عراق است و مسلمانان کرد اهل سنت بیش‌ترین جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. (Batatu, 1987: 37) به طور کلی، این مناطق سه‌گانه در بغداد بزرگ هضم شده است و گروه‌های غیرمسلمان را نیز در بر می‌گیرد. (هرچند نسبت این گروه‌ها روی هم‌رفته فراتر از ۳ درصد نمی‌رود).

۲-۲. موضوع پخش

موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهد: لباس و پوشاک اسلامی و مناسب با فرهنگ بومی (دشداشه و چفیه)، حضور بیشتر در مساجد و رونق‌گیری مساجد از جوانان؛ حرکات سیاسی در مساجد؛ تغییر محتوای سخنرانی‌های مذهبی؛ تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز؛ فعال شدن سازمان‌های قبلی؛ جدی شدن موضوع دین در

جامعه؛ الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی؛ بیان مطالبات اجرایی شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی؛ بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی؛ ترویج و شیوع ایده مبارزه با اسرائیل؛ ایجاد دولت اسلامی و غیره است که شاید برای این همه بتوان یک نام برگزید و آن «اسلام سیاسی» است. (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۹)

۲-۳. مسیر و نحوه انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، بر طبق نظریه پخش، هر نوآوری ممکن است از یکی از سه طریق پخش جابجایی، سلسله مراتبی و سرایتی از مبدأ به مقصد منتقل شود. در زیر هر یک از این انواع را در خصوص نشر پدیده انقلاب اسلامی در عراق بررسی خواهیم کرد.

۱-۲-۳. پخش جابجایی

پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابد. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷) شاید بتوان گفت که در مورد عراق پخش جابجایی مؤثرترین شیوه پخش ایده انقلاب اسلامی بوده است، زیرا همان‌گونه که در تاریخچه ذکر شد به علت مجاورت و «اثر همسایگی»، دو کشور شاهد میزان بالایی از جابجایی و تردد نخبگانی بوده‌اند و این امر حتی در مورد رهبران و سران دو کشور هم صدق می‌کند. از بین انقلابیون برجسته‌ی ایرانی که مدت زمانی را در عراق به سر برده‌اند می‌توان به آیت‌الله سید محمد شیرازی، آیت‌الله شهید دستغیب، آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی، آیت‌الله میرزا هاشم آملی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، آیت‌الله مصطفی خمینی و غیره اشاره کرد که البته در صدر این لیست نام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره)، و جانشین ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای، قرار دارد که به ترتیب ۱۴ و ۲ سال از عمر خویش را در عراق سپری کرده‌اند. از آن سو، برخی مبارزان برجسته دیروز و سران و مسئولان امروز عراق که مدتی در ایران به سر برده یا بدان جا تردد داشته‌اند عبارت‌اند از آیت‌الله شهید صدر، آیت‌الله شهید حکیم، حجت‌الاسلام عبدالعزیز حکیم، ابراهیم جعفری و غیره. نکته قابل تأمل وجود نام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سابق عراق، یعنی جلال طالبانی و نوری مالکی، در این فهرست است که خود گویای میزان نزدیکی فکری و فرهنگی دو کشور و شدت پخش جابجایی است. همچنین وجود اماکن مقدس زیارتی در ایران و عراق باعث شده تا از دیرباز میزان فراوانی از اتباع بین این دو کشور هم‌مذهب در تردد باشند که این امر در تبادلات فرهنگی دو ملت بسیار مؤثر بوده است.

۲-۳-۲. پخش سلسله مراتبی

در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد؛ بنابراین، نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند، یعنی فرایندی که طی آن ایده‌ها از مرکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷) در جوامع قبیله‌ای، عشیره‌ای و طایفه‌ای این نوع پخش به وضوح قابل مشاهده است، زیرا با پذیرش یک ایده خاص از سوی رئیس قبیله که در صدر یک هرم قرار دارد ایده مذکور به سرعت در سلسله مراتب قبیله تسری یافته، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. مثلاً در صدر اسلام، با اسلام آوردن سران قبایل بود که کل قبیله و عشیره به اسلام می‌گرویدند و گرایش انفرادی مورد پذیرش قبیله قرار نمی‌گرفت و گاهی این امر باعث می‌شد فرد از جمع قوم خود طرد شود. هر چند که در قبایل، نسب از اصلی‌ترین عوامل هویت‌بخش است، اما در جوامعی همچون عراق که مسائل فرقه‌ای و مذهبی نمود بیشتری دارد دین و تحول در حوزه رهیافت‌های دینی و مذهبی هم تأثیر غیرقابل‌انکاری دارد. جامعه عراق جامعه‌ای قبیله‌ای است و از دیر هنگام تعدد قومیت‌گرایی و تنوع در وابستگی دینی و مذهبی از خصوصیات این سرزمین بوده است. از این‌رو این ساختار، آثار بزرگی بر ماهیت و مسیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق برجای نهاده، هر چند میزان این اثرپذیری از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت بوده است. شاخصه و خصوصیات دیگری همچون توزیع جغرافیایی مؤلفه‌های قومی، دینی و مذهبی بر این تعدد قومیت و وابستگی دینی و مذهبی افزوده است. این توزیع جغرافیایی بر اساس کثرت حضور اقوام در مناطق مختلف بوده و زاینده شرایط تاریخی در دوران مختلف است. هر چند عراق بافت قومیتی - جمعیتی پراکنده‌ای دارد و تفکیک آن‌ها از هم کار دشواری است (Oliker, 2007: 6)، اما تقریباً از نیمه قرن نوزدهم به بعد پراکندگی جغرافیایی و محل سکونت قبایل عراق به شرح زیر است:

۱. قبیله‌هایی که در امتداد رود دجله از جنوب «القرنه» تا بغداد اسکان یافتند، مثل کعب، آل بو محمد، شمر طوکه، منطقه العبید، شمر جوبه و طی در شمال بغداد واقع شده‌اند، اما قبایل بنی تمیم، العزه و بخشی از العبید و السببیت در اطراف رود دیالی اسکان یافته‌اند.
۲. قبایلی که در امتداد رود فرات از شمال به سماوه و تا قرنه غراف اسفل سکنا گزیده‌اند عبارت‌اند از: تشکیل عشایر المنتفک که شامل شیب، بنی مالک، الاجود و بنی سعید می‌شود و نیز تشکل‌های بنی احجیم و بنی رکاب؛ و در فرات میانه از سماوه تا حله و قبایل خزاعل، که

شامل الخزاعل، عفک، الاکراع و آل فتله می‌شود. از تشکل‌های مهم دیگر، قبایل بنی حسن را می‌توان نام برد.

۳. در منطقه واقع‌بین رود دجله و شط حله، قبایل زبید و بنی ربیعہ سکنا گزیده‌اند و قبایل الدلیم در کرانه شرقی و جنوبی رود فرات، بین ابوکمال و کربلا (مستقر شده‌اند)؛ درحالی‌که قبیله شمر جربه نیز در جزیره فراتیه و قبایل جبور در منطقه واقع‌بین موصل و شرفاط ساکن شده‌اند.

۴. قبایل کرد که در منطقه کوهستانی شمال و شمال شرقی عراق اقامت دارند. (الرهیمی، ۱۹۷۳: ۶۳)

از این میان برخی از قبایل شیعی عرب چون شیبیب، بنی مالک، بنی سعید و غیره که بیشتر در کرانه دجله و فرات در جنوب بغداد ساکن‌اند و برخی قبایل کرد شمال شرقی عراق تا حدودی متأثر از انقلاب اسلامی بوده‌اند و این امر هم یا به علت ارتباط بیشتر این قبایل با روحانیت یا جابه‌جایی عناصر مؤثر آن‌ها بین دو کشور بوده است. می‌توان گفت در بحث صدور انقلاب، مبارزان انقلابی در ایران و عراق به این ظرفیت کمتر توجه داشته‌اند. یکی از کارشناسان عراقی در امور عشایر مسئله مهمی را استنتاج می‌کند و می‌گوید: کسی که بتواند بر شیوخ عشایر حاکم شود، بالطبع بر خود عشایر حاکم می‌شود و کسی که بر عشایر غالب شود، به آسانی می‌تواند بر عراق حکومت کند. (الطاهر، ۱۹۷۲: ۱۳) (البته باید به این نکته هم توجه داشت که عشایر عموماً در مناطق خود از گسترش و نفوذ قدرت‌هایی که با آنان مخالف‌اند ممانعت می‌کنند. اهمیت این امر را می‌توان در همکاری اخیر قبایل استان الانبار و صلاح‌الدین با دولت عراق برای مقابله با گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش در حمله اخیر آن‌ها به مناطق شمالی و غربی کشور به وضوح مشاهده کرد. موفقیت نسبی دولت نوری مالکی در سرکوبی این گروه‌های سلفی - تکفیری و ایجاد ثبات نسبی در این مناطق، که با همکاری برخی از قبایل محلی محقق شد، تأثیر غیرقابل‌انکاری در پیروزی ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ داشته است) در این راستا برخی از تحلیل‌گران سیاسی بر این عقیده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل ناکامی امریکا در عراق، عدم آشنایی با جامعه‌شناسی سیاسی مردم عراق و داشتن نگاهی سطحی به جامعه عراق پس از صدام بوده است. (Galbraith, 2005: 245) در دیگر سو، جامعه عراق به عنوان جامعه‌ای اسلامی تأثیرپذیری فراوانی از مراکز علمی و نخبگان حوزوی و مراجع دینی دارد. حمایت مراجع و علمای بزرگی همچون آیت‌الله سید محسن حکیم، آیت‌الله شهید صدر، آیت‌الله شهید حکیم، مقتدا صدر، عبدالعزیز حکیم و سایرین از انقلاب اسلامی و پیروی برخی اقشار عراق از ایشان را می‌توان در قالب پخش سلسله مراتبی بررسی کرد.

۳-۳-۲. پخش سرایتی

پخش سرایتی یا واگیردار در مقابل پخش سلسله مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری، چون پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد؛ بنابراین، افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست احتمال تماس بیشتری دارند. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۸) همچنین این نوع پخش بیشتر در بین افراد دارای اشتراکات مذهبی و فرهنگی قابل مشاهده است؛ برای نمونه، در جامعه عراق بیش‌ترین تأثیر پخش سرایتی انقلاب اسلامی را باید در میان شیعیان جست‌وجو کرد. اهمیت پخش سرایتی از این رو است که در طول قرن بیستم عواملی چون عدم توجه دولت‌ها به بخش کشاورزی، قوانین مربوط به مالکیت و نظام ارضی، تمرکز حکومت در بغداد و سیاست‌های حزب بعث در مقابله با مخالفان منجر به مهاجرت گسترده از نواحی مختلف عراق به مراکز شهری عمده همچون بغداد و بصره شد. بر اساس آمار موجود در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷ جمعیتی بیش از پانصد هزار نفر از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت کردند که در این میان بیش از هشتاد درصد در شهرهای بغداد و بصره اسکان یافتند. (الهلالی، ۱۹۶۸: ۱۴۷) ۶۹ درصد از این مهاجران متعلق به مناطق شیعه‌نشین در جنوب عراق و به ویژه شهرهای العماره و منتفق بودند. (Batatu, 1989: 132)

حضور گسترده مهاجران در شهرهای بغداد و بصره از یک سو باعث شد تا به تدریج این دو شهر با تحول در ترکیب مذهبی ساکنانشان به شهرهایی شیعی تبدیل شوند و از دیگر سو منجر به ظهور طبقات اجتماعی جدیدی شد که مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای در آن به دلایلی کم‌رنگ بود. برای مثال، درحالی‌که تا قبل از جنگ جهانی اول شیعیان در حدود ۲۰ درصد از جمعیت بغداد را تشکیل می‌دادند، این رقم در سال ۱۹۵۷ به بیش از پنجاه درصد افزایش یافت (Batatu: 206).

علاوه بر مهاجرت گسترده شیعیان فقیر از جنوب عراق و پیدایش محله‌های فقیرنشین در پایتخت، با تمرکز حکومت در بغداد و ایجاد فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید، شمار زیادی از تجار شیعه که پیش از این در نجف و کربلا و تا حدودی در بصره مستقر بودند به پایتخت رفتند و در آنجا مراکز تجاری تأسیس کرده و سرمایه و اعتبار فراوانی به دست آوردند. (النفیس، ۲۰۰۵: ۱۱۱) برخی شیوخ قبایل نیز به طبقه شیعیان پیوسته، منافع مشترک و پیوندهای اجتماعی متعددی ایجاد کردند. فرزندان این گروه بعدها ضمن تحصیل در دانشگاه‌های جهان عرب و غرب، طبقه جدیدی را تشکیل دادند که پس از جنگ جهانی دوم خود را در عرصه سیاسی عراق ظاهر ساختند. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۹۳) شیعیان تحصیل‌کرده و جوان برای سیاسی شدن آمادگی داشتند و عموماً از فقری که در کشور نفت‌خیز آن‌ها موج می‌زد و از استثنائاتی که دولت در مورد گروه‌هایی خاص قائل می‌شد و همچنین از استبداد دولت

خشمگین بودند. (Fuller, 2003: 3) نمود این نسل از جوانان عراقی مسئولان رده بالای عراقی همچون نوری المالکی، ابراهیم جعفری، حیدر العبادی و غیره هستند. با پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه سال ۱۹۷۹ تغییرات شگرفی در اوضاع سیاسی جنوب غرب آسیا رخ داد، عراق از جمله کشورهایی بود که تأثیرات وقوع این انقلاب را با تمام وجود احساس نمود، حمایت همه- جانبه شیعیان عراق از پیروزی انقلاب اسلامی زنگ خطری برای رژیم بعث به حساب می‌آمد. به نظر می‌رسد پیروزی انقلاب اسلامی ایران روح امید را در میان شیعیان عراق بیش از پیش زنده کرد. شاهد این مدعا وقایعی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در عراق رخ داد. برای مثال، در ۲۲ می سال ۱۹۷۹ جمعیت عظیمی از شیعیان عراق با تجمع در شهر نجف و انجام راهپیمایی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را جشن گرفتند، در این گردهمایی شعارهایی چون: «در سایه خمینی و صدر، اسلام پیروز خواهد شد» و «ای رهبر عصر ما، همیشه سربازان وفادارت خواهیم بود» بارها به گوش رسید. (دادفر، ۱۳۸۹: ۳۸) از این روست که مطابق اسناد مرکز مطالعات جنگ سپاه تنها دو روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اولین روز شروع به کار کابینه مهندس بازرگان، دولت عراق در یک اقدام شتاب‌زده نامه‌ای برای مهندس بازرگان فرستاد که در آن به «احترام به حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی دیگران و احترام به آزادی های مشروع ملت ها» اشاره شده بود. در بند سوم نامه «رهبری حزب سوسیالیستی بعث عراق از پیروزی ملت ایران احساس غرور و خوشحالی کرده» و در بند چهارم اظهار اطمینان کرده بود که انقلاب اسلامی، در کنار ملت برادر عرب در راه مبارزه عادلانه علیه صهیونیست ستمکار و امپریالیسم حامی آن خواهد ایستاد. (بی‌نا، ۱۳۷۵: ۹۵) طبق اسناد مکشوفه از سازمان سیا در جریان تسخیر سفارت امریکا در ایران گزارش‌های جالبی در خصوص تغییر رفتار صدام حسین و سران حزب بعث در جریان وقوع انقلاب اسلامی ایران ثبت شده است. بر اساس یکی از این گزارش‌ها که در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹ تهیه شده است، سقوط رژیم سلطنتی در ایران نگرانی شدیدی را در بغداد به وجود آورده، زیرا استقرار یک رژیم اسلامی شیعه مذهب در ایران اثرات بالقوه زیادی بر ۵۵ درصد از ۱۳ میلیون عراقی که شیعه هستند، داشته است. این امر سبب شده تا صدام حسین در سفری که به مناطق شیعه‌نشین جنوبی داشته است به اعمال غیرمعمول از قبیل نماز و دعا در مساجد و آمیزش با توده مردم دست زده و ظاهراً خود را برای رفتن به حج نیز آماده کند. (بی‌نا، ۱۳۷۰: ۱۹) در واقع باید گفت که شکل‌گیری جنبش‌های جدید و تحرک بیشتر گروه‌های شیعی همچون «حزب الدعوه»، «مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق» و «سازمان پیکار اسلامی» که ناشی از رشد اهتمام شیعیان به امور سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران است خود گویای میزان پخش سرایتی گفتمان انقلاب اسلامی در این کشور است.

۴-۲. تأثیر زمان و موانع پخش

برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۶)، تنها در نخستین سال‌های انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به تدریج با گذشت زمان شعاع این تأثیر محدود تر شده است. آن‌ها در بررسی عوامل کاهش‌دهنده تأثیرات در کنار مسافت، گذشت زمان را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان کاهش می‌یابد. (جردن و راوتری، ۱۳۸۰: ۲۶) برای نمونه «نیکی کدی» معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام بخشی آن برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است. (Keddie, 1980: 118) البته نگرش این‌چنینی به اثرات پدیده‌هایی همچون انقلاب اسلامی و ساده‌سازی آن در این سطح از تحلیل، ضمن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، پیش‌بینی نتایج و آثار آن را در عمل، دچار نقایصی می‌کند، زیرا این بازتاب‌ها به علت پویایی گفتمان انقلاب اسلامی در زمان‌های متفاوت و شرایط متغیر ایران و نظام بین‌الملل به گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که این امر - باید در تجزیه و تحلیل موضوع لحاظ شود. در مطالعه موردی عراق، بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی مختلف آن، از لحظه وقوع انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی، در طول جنگ هشت ساله و از پایان جنگ تا سقوط صدام و از آن زمان تا کنون، تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی برجای گذاشته است. هرچند که این دوره‌های کلی نیز بازه‌های زمانی جزئی‌تری را شامل می‌شود، اما به طور کلی می‌توان گفت، هر چه از سال‌های اولیه انقلاب اسلامی ایران فاصله می‌گیریم، وجهه انقلابی صرف در روند تأثیرات کم‌رنگ‌تر شده، نهضت ایران بیش‌تر در چهارچوب یک نظام سیاسی مورد بررسی جامعه‌نخبگان قرار می‌گیرد. بر این اساس تأثیرپذیری جنبش‌های مختلف از جمله گروه‌های عراقی در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران و عملکرد مسئولان این نظام تعریف می‌شود. اگر در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، گروه‌های معارض عراقی با رنگ و لعابی صرفاً ایدئولوژیک از نظریه ولایت‌فقیه حضرت امام (ره) تبعیت می‌کردند، امروزه ارکانی چون مجلس اعلای عراق - که واژه انقلاب را از نام خود حذف کرده است - جنبه‌ای کاملاً سیاسی به خود گرفته‌اند؛ بنابراین، در بررسی تأثیرپذیری گروه‌های عراقی از انقلاب ایران، باید خاطر نشان کرد که در اوایل انقلاب، تأثیرپذیری صرفاً از نوع عقیدتی است اما با گذشت زمان جنبه سیاسی تأثیرپذیری اهمیت بیشتری می‌یابد. آنچه اکنون پس از گذشت سی و پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود، این است که شبکه قدرت در عراق دست‌خوش تغییر شده، گروه‌هایی با رویکرد سیاسی و فکری نزدیک به ایران در عراق از انزوا خارج شده، به قدرت رسیده‌اند و دیگر سخن از اسلام منفعل و صرفاً متکی به آداب فردی نیست، بلکه سخن از اسلام فعال و پویا و عمل‌گرا یعنی اسلام تمدن و اسلام سیاست است.

نمود این ادعا را می‌توان در لیبیک گسترده جامعه عراق به فتوای جهاد مرجعیت شیعه برای مقابله با تهاجم اخیر گروه‌های سلفی-تکفیری و شکل‌گیری هسته‌های مقاومت مردی و بسیج گسترده افشار مختلف مشاهده کرد؛ بنابراین، مرزهای اسلام سیاسی بسیار بیشتر از آنچه که انتظار می‌رفت در حال گسترش است؛ هرچند بروز جنگ هشت‌ساله، کارکرد منفی رسانه‌های غربی و عربی در راستای ایران هراسی و شیعه هراسی، عملکرد گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و داعش و تأثیر آن بر ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی و در نهایت عملکرد برخی کشورهای غربی و عربی مخالف جمهوری اسلامی همچون عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا در تشدید اختلافات داخلی جهان اسلام، از بعد بین‌المللی و برخی تصمیمات سیاسی مانند ارائه طرح مطالبه غرامت جنگ هشت ساله با رژیم بعثی از دولت شیعه عراق در مجلس شورای اسلامی یا دامن زدن به مناقشه‌های مرزی بین دو کشور در بعد داخلی، با توجه به وجود امواج رقیب ممکن است تأثیر منفی بر بازتاب‌های انقلاب اسلامی در عراق برجای گذارد. همچنین با در نظر گرفتن بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای که در اکثر نقاط عراق حاکم است، به نظر می‌رسد طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی به اهمیت پنخس سلسله‌مراتبی در جامعه عراق توجه لازم صورت نگرفته است. نکته مهم دیگری که جای طرح دارد لزوم ارائه الگوی مناسب و قابل‌رقابت با الگوهای مطرح غربی و عربی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و علمی از سوی انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان به‌ویژه عراق است که در غیر این صورت تداوم تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این جوامع با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد.

۵-۲. دو نمود عینی بازتاب انقلاب اسلامی بر عراق

۱-۵-۲. تقویت رفتار مذهبی و هویت‌جویی مسلمانان، افزایش اقبال عمومی به مراکز مذهبی

وجود اماکن مهم مذهبی در عراق و موقعیت جغرافیایی خاص این کشور زمینه رشد و توسعه شهرهای مذهبی را فراهم آورده است، اما با کمال شگفتی این شهرها در طی سده اخیر و پیش از سقوط حزب بعث، نه تنها با توسعه مواجه نبوده‌اند، بلکه گاهی تا آستانه متروکه شدن نیز پیش رفته و جمعیت فراوانی از ساکنان این قبیل شهرهای شیعه‌نشین به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند. شهرهای العماره، کربلا، کوت و ناصریه مهم‌ترین شهرهایی بودند که بیش‌ترین آمار مهاجرت را در طی سال‌های سلطنت و بعد از آن به خود اختصاص داده بودند. تا سال ۱۹۴۷ به ترتیب ۱۳،۲۵ و ۱۲ درصد از افرادی که در العماره، کوت و کربلا متولد شده بودند، در شهرهای دیگر عراق و به‌ویژه در بغداد زندگی می‌کردند. (Aziz, 1968: 195)

بر اساس گزارش منتشرشده وزارت کشور عراق در خصوص سرشماری سال ۱۹۵۷، تعداد افرادی که در بغداد زندگی می‌کردند، اما در شهرهایی بجز بغداد به دنیا آمده بودند، ۳۷۸/۹۹۶

نفر بودند. در واقع این افراد ۲۹ درصد از ساکنان بغداد را تشکیل می‌دادند. رقم و نسبت این افراد برای بصره به ترتیب ۸۸/۸۱۹ نفر و هجده درصد ساکنان آن بود. از مجموع ۳۷۸/۹۹۶ غیر بغدادی ساکن در این شهر ۱۱۴/۷۰۸ نفر یا سی درصد آن‌ها از شهر العماره و ۴۱/۳۴۰ نفر یا ده درصد از کوت به بغداد مهاجرت کرده بودند. همچنین از ۸۸/۸۱۹ نفر مهاجران به بصره ۴۸ درصد آن‌ها از العماره و ۲۱ درصد از المنتفق بودند. (بی‌نا، ۱۹۶۱: ۱۳۲) به طور آشکارا شهرهایی که جمعیت آن‌ها به دلیل مهاجرت ساکنانشان به بندرها و شهرهای بزرگ عراق کم شده بود، شهرهای شیعه‌نشین واقع در جنوب عراق بودند که وضعیت مناسبی نداشتند.

عامل دیگری که در تشدید روند مهاجرت شیعیان از مناطق جنوبی نقش مهمی داشت، تمرکز حکومت در بغداد و توجه حکومت به این شهر پس از استقلال عراق بود. با تبدیل شدن بغداد به عنوان مرکز قدرت، به تدریج از اهمیت و اعتبار شهرهای مذهبی چون نجف و کربلا کاسته شد. شیعیان جنوب به امید بهبود وضع زندگی خود و استفاده از فرصت‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی موجود در پایتخت به تدریج راهی این شهر شدند. (السعدی، ۱۹۷۶: ۱۱۷) درحالی‌که بغداد تحت تأثیر فرصت‌های جدید ایجادشده روزبه‌روز در حال توسعه بود، شهرهای مذهبی نجف و کربلا تنها با تکیه بر درآمدهای حاصله از پرداخت وجوهات، نذورات، ورود زائران و دفن اجساد ادامه حیات می‌دادند. مهاجرت شیعیان از جنوب عراق، به کاهش محسوس جمعیت شهرهای مقدس نجف و کربلا در مقایسه با بغداد منجر شد. این امر را از آمارهای مربوط به رشد جمعیت، به خوبی می‌توان درک کرد. درحالی‌که در فاصله سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۷ میزان رشد جمعیت در نواحی شمال و مرکز عراق به ترتیب ۳/۷ و ۲/۲ درصد در سال ثبت شده است؛ این میزان در نواحی جنوبی ۱/۱ درصد در سال گزارش شده و بیشتر شهرهای جنوبی رشد منفی جمعیت را نشان می‌دهند. (Nakash, 2003: 97) جمعیت نجف که در سال ۱۹۱۸ در حدود ۴۵۰۰۰ نفر ثبت شده، تنها به ۵۷۹۴۷ نفر در سال ۱۹۴۷ و در سال ۱۹۵۷ به ۹۱۱۶۵ نفر افزایش یافته است. همچنین جمعیت کربلا که در سال ۱۹۰۸ در حدود ۵۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده بود، در سال‌های بعد و عمدتاً در نتیجه کاهش مولید، افزایش مرگ‌ومیر به واسطه بیماری‌ها، کمبود امکانات بهداشتی و پدیده مهاجرت به طور آشکاری کاهش یافت به گونه‌ای که حتی ترس از تخلیه و ویرانی شهر را تهدید می‌کرد. آمارگیری‌های سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۷ جمعیت شهر را به ترتیب ۴۴۱۵۰ و ۶۰۲۹۴ نفر نشان می‌دهد. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۰)

اما علاوه بر موارد فوق، سیاست‌های حزب بعث در مورد گروه‌های شیعی مبارز، نقش مهمی در مهاجرت شیعیان از جنوب عراق داشت، برای مثال، این حزب در سال ۱۹۹۲ برای از بین بردن پناهگاه سربازان فراری و نیروهای مخالف، اقدام به خشک کردن و نابودی هورها و باتلاق‌های جنوب عراق کرد، این در حالی بود که شیعیان زیادی در این هورها از طریق کشاورزی و

ماهگیری امرار معاش می‌کردند. (Cole, 2003: 548) در نتیجه این اقدام، نزدیک به پانصد هزار شیعه ساکن در مرداب‌ها ناگزیر به مهاجرت به بخش‌های دیگر عراق و حتی ایران شدند. بسیاری نیز به دست نیروهای حکومتی کشته شدند و آسیب‌های زیست‌محیطی، منطقه را غیرقابل سکونت کرد. (خیون، ۲۰۰۵: ۱۵۸)

پس از حمله امریکا به عراق و روی کار آمدن دولت جدید، هزینه‌های زیادی برای توسعه و بازسازی زیرساخت‌های شهرهای مذهبی عراق صرف شده که در این میان سهم فراوانی از هزینه‌ها توسط ایران تأمین شده است. بنا به گفته رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات ایران از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) تاکنون (سال ۱۳۹۲) بیش از ۳۰۰۰ میلیارد ریال اعتبار تنها توسط این ستاد صرف بازسازی اماکن مقدس عراق شده است (پلارک، ۱۳۹۱: www.irna.ir). این رویکرد باعث رونق‌گیری مجدد شهرهای مذهبی عراق، به‌ویژه شهر مقدس کربلا شده است، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر و در جریان برگزاری مراسم اربعین حسینی، جمعیت عظیمی از نقاط مختلف دنیا در طی چند روز در این شهر اجتماع می‌کنند. در اربعین ۲۰۱۳ آمار زائران حرم حسینی به بیش از ۲۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسید که از این میان حدود ۳۶۵ هزار نفر از ایران، یک میلیون نفر از پاکستان، ۷۰۰ هزار نفر از اتحادیه اروپا و اسکاندیناوی، ۱۲ هزار نفر از امریکای جنوبی و صدها هزار نفر از سایر نقاط جهان بودند که برای شرکت در این مراسم به عراق عزیمت کردند (بی‌نا، ۱۳۹۲: www.farsnews.com)

۲-۵-۲. تأثیر بر رشد فراینده سیاسی شدن و نقش‌آفرینی سیاسی شیعیان

طبق آمار رسمی بیش از ۶۷ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما با این وجود پس از استقلال عراق تا فروپاشی رژیم بعث این قشر همواره کمترین درصد مشارکت در امور سیاسی را داشته است. نگاهی به ترکیب مجلس و دولت عراق از ابتدای پیدایش نشان می‌دهد که شیعیان سهم چندانی از مناصب سیاسی نداشته‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۳۰ درحالی‌که کردها، هفده درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند ۲۲ درصد از پست‌های بالا در هیئت دولت را به خود اختصاص داده بودند، این در حالی است که سهم شیعیان کمتر از پانزده درصد بوده است. (Nakash, 2003: 110) تا سال ۱۹۴۷ و انتخابات دوره یازدهم مجلس، نسبت نمایندگان شیعه در مجالس این کشور بین ۲۵ تا ۳۵ درصد در نوسان بوده است. در دور سوم، از استان بغداد دو نفر یهودی و یک نفر مسیحی و ۹ نفر مسلمان که همگی سنی مذهب بودند انتخاب شدند، درحالی‌که یک نفر از شیعیان هم انتخاب نشد. بعد از آنکه مسلمانان سنی مذهب، کرسی‌های نمایندگی استان بصره را به خود اختصاص دادند، تعداد نمایندگان غیرمسلمان این استان از تعداد نمایندگان شیعه بیشتر شد؛ یعنی با وجودی که نود درصد اهالی بصره شیعه بودند فقط دارای یک نماینده در پارلمان بودند درحالی‌که یهودیان و مسیحیان دو

نماینده داشتند. (العلوی، ۱۴۲۶: ۱۸۳) در دوره پنجم مجلس از استان شیعه‌نشین کوت حتی یک شیعه هم برای نمایندگی معرفی نشد؛ هر چهار نماینده این استان سنی مذهب و از اهالی بغداد بودند. همچنین در طول شانزده سال، از استانی چون دیاله که دو سوم اهالی آن شیعه هستند، هیچ شیعه‌ای به مجلس راه نیافت و بیش از دو سوم نمایندگان استان‌های العماره، دیوانیه و حله که مناطق شیعه‌نشین هستند، سنی مذهب بودند. تنها در دوره یازدهم در سال ۱۹۴۷ اندک تحولی ایجاد شد و اجازه داده شد که نسبت شیعیان در مجلس به ۴۰ درصد برسد. در بصره تعداد نمایندگان شیعه با تعداد نمایندگان سنی برابر شد، اما در مناطق دیگر تغییری ایجاد نشد. همچنین نگاهی به ترکیب هیئت دولت نشان می‌دهد که در مدت بیش از ۷۰ سال، یعنی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۹۱ فقط پنج نفر از رجال شیعه برای مدتی کمتر از سه سال، یعنی به نسبت ۴/۴۸ (حدود چهار ونیم درصد) عهده‌دار پست نخست‌وزیری بوده‌اند. از میان ۵۹ دوره نخست‌وزیری در دوران رژیم سلطنتی، تنها پنج بار نخست‌وزیری به شیعیان سپرده شد، یعنی به نسبت ۸/۴۷ درصد. (همان: ۱۸۵-۱۹۰)

پس از انقلاب اسلامی دولت صدام سیاست‌های متفاوتی را در قبال شیعیان به اجرا گذاشت، از سرکوب گرفته تا افزایش نقش آنان در دولت. در یک بررسی معلوم شده است که در فاصله ژوئن ۱۹۸۲ تا ژوئن ۱۹۸۷، ۳۳ درصد اعضای شورای فرماندهی انقلاب شیعه بودند. طی همین دوره، حدود ۵۰ درصد از اعضای فرماندهی منطقه‌ای حزب بعث، یعنی نسبتی که شمار نسبی شیعیان را در جمعیت کشور بیشتر نمایندگی می‌کرد، شیعه بودند. گردآورنده این تحقیق نتیجه می‌گیرد که «نمایندگی شیعه در بین نخبگان سیاسی در حاکمیت بعثی‌ها در تاریخ دولت عراق امروزی بی‌همتاست.» پس از آتش بس در جنگ ایران و عراق، به نظر می‌رسد تمایل به نمایندگی هرچه بیشتر شیعیان در میان نخبگان سیاسی ادامه یافته باشد. در ۵ ژوئن ۱۹۸۹ یک شیعه (به نام) سعدون حمادی، به سمت یکی از سه معاون نخست‌وزیر عراق ارتقا یافت. در این زمان از ۱۰۰ کارمندی که دارای مراتب مدیر کلی یا معادل آن هستند نیمی شیعه بودند؛ در حالی که یک تا دو درصد از گروه دیگری که معمولاً در صحنه سیاسی منظور می‌شوند، یعنی از کردها بودند. از ۶۰ افسر ارشد حائز درجات سرتیپی یا بالاتر ۲۰ تا ۲۵ درصد شیعه بودند هرچند این رقم مشخصاً نسبت به کل جمعیت عراق تناسبی ندارند، اما همین رقم خود مهم است، زیرا به طور مرسوم، سنی‌ها افسران ارتش عراق را تشکیل می‌دهند و شیعیان عمدتاً سربازان این ارتش هستند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۰۳ و ۱۰۴)

پس از یازده سپتامبر فرصتی برای امریکا فراهم شد تا گفت‌وگو با تروریسم در پیوند با گفت‌وگو با لیبرال که مبتنی بر گسترش نظم لیبرال در منطقه است (Huntington, 1997: 18)، مبنای سیاست خارجی امریکا قرار گیرد؛ بنابراین، ایلات متحده با حمله به عراق و سقوط صدام در صدد مقابله با ساختن هویت‌ها در منطقه به ارزش‌های لیبرال بود که در نهایت این

گفتمان خوش‌بینانه نو محافظه‌کاران در عراق با چالش روبه‌رو شد. (Henry, 2002: 152) در واقع، در عمل روند متفاوتی را در سیاست عراق پس از صدام، بویژه در انتخابات پارلمانی شاهد هستیم؛ به گونه‌ای که بر خلاف انتظار امریکا احزاب شیعه نزدیک به ایران که رهبران آن‌ها بعضاً در دوران حکومت صدام حسین در ایران یا تحت حمایت ایران به سر می‌بردند مانند حزب الدعوة و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق توانستند اکثریت کرسی‌های پارلمان را تصاحب کرده، برای اولین بار دولتی شیعی- عربی را با مشارکت سایر گروه‌ها تشکیل دهند.

انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵، که در آن ۲۷۵ نماینده به مجلس نمایندگان عراق راه یافتند، در قالب نظام انتخاباتی لیست بسته و تک دایره‌ای برگزار شد. در انتخابات مزبور، اکثر گروه‌های شیعه در قالب ائتلافی فراگیر تحت عنوان «ائتلاف عراق یکپارچه» که با تأکیدات آیت‌الله سیستانی تشکیل شد، در انتخابات شرکت کردند. این ائتلاف که شامل چهار حزب اصلی الدعوة، مجلس اعلای انقلاب اسلامی، جریان صدر و حزب فضیلت اسلامی و برخی احزاب و شخصیت‌های دیگر بود، توانست ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد. دو حزب اصلی کردی، یعنی اتحادیه میهنی (نزدیک به شیعیان) و حزب دموکرات نیز توانستند در قالب ائتلاف کردستان، ۵۳ کرسی کسب کنند و اتحاد اسلامی کردستان نیز ۵ کرسی را از آن خود ساخت. با وجود تحریم انتخابات از سوی بخشی از سنی‌ها، جبهه توافق عراق که متشکل از چند حزب سنی از جمله حزب اسلامی و تجمع مردم عراق بود، ۴۴ کرسی و جبهه گفت‌وگوی ملی به رهبری صالح مطلق نیز ۱۱ کرسی را به دست آوردند. لیست العراقیه تحت رهبری ایاد علاوی نیز ۲۵ کرسی کسب کرد و بقیه کرسی‌ها به احزاب و شخصیت‌های دیگر تعلق گرفت. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ نیز شیعیان کماکان موفق بودند و مجموع دو ائتلاف شیعی دولت قانون و ائتلاف ملی عراق، اندکی کمتر از نیمی از کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص داده و با ائتلاف و هماهنگی با یکدیگر توانستند نخست‌وزیر و بدنه اصلی دولت را تعیین کنند. احزاب سنی و کرد نیز با کسب سایر کرسی‌ها به عنوان نماینده دو اقلیت بزرگ عراق، با ائتلاف‌های شیعی برای تشکیل دولت همکاری کردند. (بی‌نا، ۱۳۸۹: www.csr.ir) انتخابات سال ۲۰۱۴ عراق نخستین انتخابات پارلمانی این کشور بود که بدون حضور اشغالگران خارجی برگزار می‌شد. بر اساس گزارش کمساریای عالی و مستقل انتخابات عراق، ائتلاف «دولت قانون» به رهبری نوری مالکی که از گروه‌های شیعی همچون حزب «الدعوه الاسلامیه» و سازمان «بدر» تشکیل شده توانست با کسب ۹۲ کرسی پیروز سومین دوره انتخابات پارلمانی این کشور پس از سقوط رژیم بعث شود. این گزارش حاکی است جریان صدر به ریاست ضیاء نجم عبدالله احمد با کسب ۳۲ درصد آراء، ائتلاف الموطن به رهبری عمار حکیم (متشکل از گروه‌های شیعی از قبیل «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «الموطن» و «المؤتمر الوطنی العراقی») با ۲۹ درصد آراء و ائتلاف

«متحدون للإصلاح» به ریاست اسامه نجیفی رئیس فعلی پارلمان در مرتبه دوم، سوم و چهارم قرار گرفتند. گروه‌های شیعی در این انتخابات در مجموع با کسب ۱۷۰ کرسی از ۳۲۸ کرسی پارلمان می‌توانند با ائتلاف دولت آینده عراق را به تنهایی و بدون مشارکت سایر گروه‌های قومی و مذهبی تشکیل دهند. (بی‌نا، ۱۳۹۳: www.farsnews.com) «دیکستر فیلکنز»، نویسنده آمریکایی و تحلیل‌گر سیاسی نشریه نیویورکر، در خصوص نتایج این انتخابات معتقد است که «تنها طرف پیروز در انتخابات پارلمانی اخیر عراق، ایران است که موفق شد نفوذ خود در این کشور را از طریق ائتلاف «نوری المالکی» نخست‌وزیر افزایش دهد.» (Filkins, 2014: www.newyorker.com)

۶-۲. انقلاب اسلامی و عراق از منظر شخصیت‌ها

عبدالعزیز حکیم (رئیس وقت مجلس اعلاى اسلامی عراق) بر این باور بود که یکی از دلایل و اهداف مهم حزب بعث از تأکید بیش از حد بر ناسیونالیسم عربی، مقابله با تهدیدات ایران بوده است. از دیدگاه سران بعث، شیعیان عراق به واسطه روابط تاریخی با جامعه شیعی ایران چندان قابل اعتماد نبوده و می‌توانستند به عنوان متحدان طبیعی ایران عمل کنند. به همین دلیل حاکمان این حزب در طول دوران حکومت خود همواره در مقابل خواسته‌های جامعه شیعی عراق بی-تفاوت بوده و با بدبینی آن را دنبال می‌کردند. (حکیم، ۱۳۶۱: ۱۳) آیت‌الله محمدباقر صدر که بعد از فوت آیت‌الله حکیم، از مراجع مطرح عراق به حساب می‌آمد، طی تلگرافی به امام خمینی (ره) در مارس ۱۹۷۹ حمایت خود را از نظام جمهوری اسلامی اعلام کرد. در قسمتی از این تلگراف آمده است: «درحالی‌که ما به موفقیت بیشتر شما امیدواریم، تمام سعی و تلاش خود را برای خدمت و کمک به پیروزی انقلاب پرشکوهتان به کار خواهیم گرفت تا در سایه مرجعیت شما و حکومت اسلامی قرار گیریم.» (صدر، ۱۴۰۴: ۴۵)

آیت‌الله سید محمدباقر حکیم، رئیس شهید مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق، نیز درخصوص نقش انقلاب اسلامی در احیای اسلام سیاسی در عراق معتقد است:

درواقع، استعمار از دیرباز نقش عظیم روحانیت را دریافته بود و می‌دانست که روحانیت چه تأثیری در میان مردم دارد؛ بنابراین، از آغاز سعی داشت تا علما و روحانیت را از امت جدا سازد و این اندیشه را نشر دهد که علما نباید در سیاست دخالت کنند و تنها باید به انجام شعائر مذهبی و آموزش بعضی احکام شرعی یا ایجاد یک جوّ سیاسی سنتی معین بپردازند. زحمات آقای حکیم در دوران مرجعیتش، زحمات آیت‌الله شهید صدر در عراق و حرکت امام خمینی و سایر علما و روحانیون ایران، اثر بزرگی در حضور دوباره علما در صحنه سیاست و اجتماع داشته است. (حکیم، ۱۳۶۰: ۲۲)

انستیتو بروکینگز در تحلیل شرایط فعلی عراق در مقاله‌ای به قلم تحلیل‌گر ارشد سازمان سیا، دکتر کنث یولاک^۷، می‌نویسد: «جا دارد که از خود پرسیم، آیا ما در عراق بازنده نبوده‌ایم و ایران برنده؟ زیرا جای هیچ‌بحثی نیست که امروز ایران قابلیت تأثیرگذاری فراوانی بر عراق یافته است، بسیار بیش از آنچه ما و عراقی‌ها انتظار داشتیم.» (Pollack, 2014: www.brookings.edu)

جلال طالبانی، رئیس‌جمهور فعلی عراق، از جمله شخصیت‌هایی است که چه قبل و چه بعد از انقلاب و در طول جنگ به حمایت از انقلاب اسلامی پرداخته و مدت زمان مدیدی هم در ایران زیسته است. عرفان قانعی‌فرد، نویسنده کتاب «پس از شصت سال - خاطرات و زندگی جلال طالبانی»، در این باره می‌گوید:

طالبانی قبل از انقلاب اسلامی همواره از حرکت‌های انقلابیون حمایت کرده تا جایی که نماینده‌اش در فرانسه - عادل مراد - را به دیدار انقلابیون ایرانی و آیت‌الله خمینی فرستاد و هنگام عزیمت امام خمینی به ایران توسط فواد معصوم پیام داد که اگر رهبر ایران برای ورود به کشور مشکل دارد، می‌تواند از طریق کردستان وارد ایران شود. بعد از انقلاب نیز طالبانی از اولین گروه‌هایی است که با انقلابیون و رهبران آن در قم دیدار می‌کند. در اوایل جنگ ایران و عراق، ایرانی‌ها در ابتدا شاید بر این نظر بودند که کردها با ایرانی‌ها همراهی نمی‌کنند، اما می‌بینم با اولین دعوت سپاه پاسداران از کردها، او شانه به شانه سربازان ایرانی علیه صدام حسین حرکت کرد و در هشت سال جنگ، بسیاری از عملیات علیه صدام، با همراهی و همکاری نیروهای طالبانی انجام شد و تا وقتی در ۱۳۶۷ جنگ پایان یافت از جمله شخصیت‌هایی بود که همواره تلاش کرد در کنار به رسمیت شناختن هویت کردها به ایران کمک کند، زیرا پس از ۱۳۵۷ بود که بار دیگر هویت سیاسی و فرهنگی کردها مطرح شد. (قانعی فرد، ۱۳۹۱: www.isna.ir)

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با مایه‌های اثربخش خود، به کلیه کشورهای منطقه وارد شده و در هر کجا بنا به شرایط و مقتضیات، در نقطه‌ای از زمان، تحول و جنبشی را ایجاد کرده است. این مایه‌های اثربخش به طور طبیعی یا ارادی و برنامه‌ریزی شده از جمله در عراق بازتاب یافته و می‌توان گفت گروه‌های ساختمند در میان مردم و دولت‌ها و مراکز دینی و سیاسی این سامان را بیش از سایر نقاط متأثر کرده است، هرچند بازتاب انقلاب اسلامی در این کشور مانند سایر نقاط کمتر جنبه تمدنی و الگوسازی داشته و بیشتر به ابعاد فرهنگی، فکری و سیاسی معطوف شده است. با این وجود، این تأثیرات در طی سال‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی دست‌خوش تغییراتی نیز شده است. در جریان وقوع و در ابتدای پیروزی انقلاب، ابعاد انقلابی و

ایدئولوژیک این پدیده بیش تر بروز کرده، به تحركات مشابهی در عراق منجر شد، اما با گذشت زمان، بعد سیاسی انقلاب هم مورد توجه توده‌ها و نخبگان عراقی قرار گرفته است؛ نمود این امر را در گرایش بی‌سابقه جامعه شیعه عراق به نقش‌آفرینی در مسائل سیاسی، رشد آگاهی و مطالبات سیاسی ایشان می‌توان جست. همان‌گونه که ذکر شد، شیعیان پیش از وقوع انقلاب اسلامی با وجود اکثریت جمعیتی، کمترین دخالت و مشارکت را در سپهر سیاسی عراق داشته‌اند و پس از انقلاب ۵۷ به نحو فراوانی مداخلات بیشتری در امور حکومتی انجام داده‌اند. بر طبق آماری که در این پژوهش ارائه شده، رشد فزاینده مشارکت سیاسی شیعیان در دوران حکومت بعث آغاز شده، در دوران پس از صدام به اوج خود رسیده است، به گونه‌ای که امروزه غالب مناصب حکومتی توسط این قشر اشغال شده است. از بعد مذهبی نیز نشانه‌های عینی این تأثیرگذاری در افزایش گرایش به دین و رفتارهای مذهبی، شرکت در مراسم‌های دینی و حضور در اماکن مقدس مذهبی جلوه‌گر شده است. همان‌گونه که در مقاله بحث شد، این شدت از تأثیرات ناشی از وجود هر سه نوع پخش در میان مبدأ و مقصد موضوعات پخش بوده که خود ناشی از قرابت بی‌نظیر جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و قومیتی دو کشور ایران و عراق بوده است.

یادداشت‌ها

1. Homans Exchange Theory
2. Torsten Hagerstrand.
3. Relocation Diffusion.
4. Contagious Diffusion.
5. Hierarchic Diffusion.
6. Expansion Diffusion.
7. Neighbor Effects
8. Dexter Filkins
9. Kenneth Pollack

کتاب‌نامه

۱. اسپوزیتو، جان، ۱۳۸۲، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ دوم، صص ۲۴۴ و ۱۰۳-۱۰۴.
۲. الرهیمی، عبدالحلیم، ۱۳۹۰، تاریخ جنبش اسلامی در عراق ۱۹۰۰-۱۹۲۴، ترجمه جعفر دلشاد، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ص ۶۳.
۳. فولر، گراهام، ۱۳۷۳، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس خجسته، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۹۳.

۴. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۱، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ص ۴۵.
۵. برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۲)، «نظریه یخس و بازتاب انقلاب اسلامی»، دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال پنجم، شماره ۸، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۶۴-۸۶.
۶. حشمت‌زاده، محمدباقر، (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، تهران: ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی - شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، صص ۴۲-۶۵.
۷. دادفر، سجاد، (۱۳۸۹)، «تحول و دگرذیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۲، تهران، موسسه شیعه‌شناسی، صص ۱۳۹-۱۸۲.
۸. حکیم، عبدالعزیز، (۱۹ فروردین ۱۳۶۱)، «مصاحبه با روزنامه اطلاعات»، تهران: روزنامه اطلاعات، ص ۲.
۹. خیون، رشید، ۲۰۰۵، احوار العراق، تاریخ الماء والتجفیف، بغداد، مرکز العراق للابحاث، الطبعة الثالثة، ص ۱۵۸.
۱۰. السعدی، ریاض ابراهیم، ۱۹۷۶، الهجرة الداخلیه للسكان فی العراق، بغداد، مطبع دارالإسلام، الطبعة الثانية، ص ۱۱۷.
۱۱. الطاهر، عبد الجلیل، ۱۹۷۲، العشائر العراقیه، بغداد، مطبعة بغداد، الطبعة الاولى، ص ۱۳.
۱۲. ۲. برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۱، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، صص ۳۷-۳۸.
۱۳. العلوی، حسن، ۱۴۲۶، الشیعه و الدوله القومیه فی العراق، قم، روح الامین، الطبعة الاولى، صص ۱۸۳ و ۱۹۰-۱۸۵.
۱۴. النفیس، احمد راسم، ۲۰۰۵، الشیعه فی العراق بین الجذر الراسخه و الواقع المتغیر، قاهره، مرکز المحروسه للنشر و الخدمات الصحیفه و المعلومات، الطبعة الاولى، ص ۱۱۱.
۱۵. الهلالی، عبد الرزاق، ۱۹۶۸، الهجرة من الريف الى المدن فی العراق، بغداد، شرکه الطبع و النشر الاهلیه، الطبعة الثانية، ص ۱۴۷.
۱۶. وزارت الداخلیه العراقیه، ۱۹۶۱، المدیریة العامه للاحصایه لتسجيل عام ۱۹۵۷، بغداد، مطبعة وزارت الداخلیه العراق، الطبعة الاولى، ص ۱۳۲.
۱۷. پانوف، میشل؛ بدن، میشل، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسکری خاتقاه، تهران، نشر ویس، چاپ اول، ص ۱۱۳.
۱۸. جردن، تری؛ راونتتری، لستر، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، چاپ دوم، ص ۲۶.

۱۹. حتی، فلیپ و (دیگران)، ۱۹۷۴، تاریخ عرب، ترجمه جعفر دلشاد، بیروت، نشر فرانکلین، صص ۳۳۴-۳۶۰.
۲۰. خانی، محمدحسن، ۱۳۸۷، انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل، در: جلال درخشه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، صص ۳۴۳.
۲۱. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۷، انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی، در: جلال درخشه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، صص ۴۷.
۲۲. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۷۰، کتاب هفتاد و هفت: عراق، اسناد لانه جاسوسی امریکا، تهران، چاپ اول، صص ۱۹.
۲۳. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶، تضاد و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، صص ۸۸.
24. Aziz, m, (1968), *Geographical aspects of rural migration from Amara province of Iraq 1955-1964*.
25. Cole, Jun, (2003), « The United States and Shiite religious factions in Post Bathist Iraq», *Middle East journal*, volume 57.
26. Galbraith, Pether, W. (2005), *The Future of Kurdistan in Iraq*, in Oleary, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.
27. Henry, Nau, (2002), *At Home Abroad: Identity and Power in American Foreign Policy*, Cornell University Press.
28. Huntington Samuel, (1997), "The Erison of American Dational Interest", *Foreign Affairs*, September, October.
29. Keddie, Nikki, (1995), *Iran and the Muslim World: resistance and revolution*, London: Macmillan.
30. Keddie, Nikki, (1980), *Oil Economic Policy and Social Conflict; Race and Class*, London: Frank Cass.
31. Nakash, Yitzhak, (2003), *The Shiites of Iraq*, Princeton: Princeton University Press.
32. Olikier, Olga, (2007), *U.S Policy Options for Iraq*, Reassessment: Rand press.
۳۳. بی‌نا، (۲۴ فروردین ۱۳۸۹)، « انتخابات پارلمانی عراق؛ نتایج و پیامدها » در <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=01&depid=44&semid=410>
۳۴. بی‌نا، (۲ بهمن ۱۳۹۲)، « شور و حال اربعین حسینی با ۲۰ میلیون زائر در کربلا+امار تفکیکی زائران » در

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921002000329>

۳۵. بی‌نا، (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳)، «نتیجه رسمی/«مالکی» با اختلافی معنادار پیروز سومین انتخابات پارلمانی عراق شد + به تفکیک استان‌ها و ائتلاف‌ها»، در

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930227001183>

۳۶. پلارک، حسین، (۱۳۹۲)، «تامین سه هزار میلیارد تومان اعتبار برای بهسازی اماکن متبرکه عراق»

<http://www.irna.ir/fa/News/81252149>

۳۷. قانعی فرد، عرفان (۲۹ آذر ۱۳۹۱)، «طالبانی پرچمدار صلح در عراق» در

<http://isna.ir/fa/news/91092917686>

38. [Filkins, Dexter](#), ([April 28, 2014](#)), «What We Left Behind» (about Iraq's parliamentary election), in:

<http://www.newyorker.com/magazine/2014/04/28/what-we-left-behind>

39. Pollack, Kenneth M. (April 4, 2014), «Iraqi Elections, Iranian Interests» in: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2014/04/04-pollack-iraq-national-elections-2014-iranian-interests>.